

عربی بودن خط فارسی مانند عرب بودن پورسینا است

خبرنگار امرداد | فیروزه فرودی



از راست: دکتر آزاده احسانی، دکتر احمد وکیلی، فرتور از سوده حاجی‌کرم

این خط که برخی پژوهش‌گران آن را «خط عربی!» می‌خوانند خطی بوده که به‌وسیله‌ی برخی بازرگانان وارد سرزمین عرب‌ها شده و خود تازیان آن را نمی‌دانسته‌اند و نمی‌توانستند بدان بنویسند و بخوانند اما دبیران و دیوان‌سالاران ایرانی آن را به نیکی می‌شناختند و می‌توانستند بدان بنویسند و بخوانند و در آن دگرگونی نیز پدید آورند و بهبودش بخشند.

و نگارش پیش از خود بودند. اما باید دانست که هیچ اثر و نوشته‌ای از هیچ خطی که زادگاه آن سرزمین تازیان باشد، به‌دست نیامده است. پس چگونه می‌توان پذیرفت که خط فارسی امروز که آشکارا پیوندش را با خط‌های موجود در ایران از روزگار کهن تا امروز پاس داشته است، در سرزمینی به‌وجود آمده باشد که به سختی چند نمونه‌ی انگشت شمار از خط نبطی و کوفی در آن یافت شده است.

چگونگی پیدایی خط فارسی

احسانی درباره‌ی این که خط فارسی در کجا و چگونه به وجود آمد، گفت: برای پاسخ به این پرسش می‌بایست به نزدیک به سه هزارسال پیش بازگردیم. باور برخی بر این است که گونه‌ای از الفبای سامی که آن را «خط آرامی» می‌خوانند نزدیک به سه هزارسال پیش از «الفبای فنیقی» پدید آمد.

این پژوهش‌گران بر این باورند که این خط در پهنه‌ی غربی سرزمین ایران به‌وجود آمد، به‌ویژه پس از روی کار آمدن شاهنشاهی هخامنشی که سرزمینی گسترده از ماوراءالنهر (فراورد) تا میان‌رودان را در بر می‌گرفت، رواج بسیار یافت و نام‌بردار شد. از این‌رو، نیاز به یک خط و زبان یگانه برای پیوند گرفتن در شاهنشاهی پهناور هخامنشی بر گسترش خط و زبان آرامی در پهنه‌ی ایران زمین افزود. گرچه به نیکی می‌دانیم که در سنگ‌نگاره‌ی بیستون ستون چهارم بندهای ۷۰-۸۸ درباره‌ی خط و زبان ایرانی چنین آمده است: «داریوش شاه گوید: به‌خواست اهورامزدا این است کتیبه‌ای که من بر ساختم. افزون بر این به آریایی بود، و در روی الواح گلین و روی چرم نوشته شده بود. افزون بر این پیکره‌ام را نیز بر ساختم... و آن نوشته

به باور من خط فارسی نه برآمده از خط نبطی و نه برآمده از خط کوفی است، بلکه گونه‌ی تکامل یافته‌ی خط‌های رایج در پیشینه‌ی دراز آهنگ دیوان و دفتر در ایران است. هرچند که اگر بر این باور هم باشیم که خط پارسی بازمانده‌ی نبطی یا کوفی است، باز نمی‌توان وجود خط ساختگی‌ای به نام «خط عربی» را باور داشت، چه برسد به آن که بخواهد پیوندی هم با «خط فارسی» داشته باشد.

پیشینه‌ی خط فارسی امروزی

احسانی درباره‌ی خط فارسی امروزی گفت: خطی که امروزه از آن بهره می‌بریم را «این مقله» می‌ایرانی درست کرده است. وی از آنجا که در زمینه‌ی خط کارآمد بود این تناسب‌ها و شکل امروزی خطی که به نام خط فارسی می‌شناسیم را ساخته است.

باید اندیشید این خط که برخی پژوهش‌گران آن را «خط عربی!» می‌خوانند چگونه خطی بوده است که چند سالی پیش از اسلام از مرزهای خارج از سرزمین حجاز (بیشتر از مرزهای ایران) به وسیله‌ی برخی بازرگانان وارد سرزمین عرب‌ها شده است و خود تازیان آن را نمی‌دانسته‌اند و نمی‌توانستند بدان بنویسند و بخوانند. از سوی دیگر دبیران و دیوان‌سالاران ایرانی آن را به نیکی می‌شناختند و می‌توانستند بدان بنویسند و بخوانند و در آن دگرگونی نیز پدید آورند و بهبودش بخشند.

باید یادآور شد که پیشینه‌ی خط امروز ما بی‌گمان همان خط‌های روایی داشته در ایران کهن بوده است. در ایران زمین از گونه‌های مختلف خط‌های فارسی نوشته‌های بی‌شمار به‌دست آمده‌است که هر یک در سیر تاریخ کهن ایران به‌وجود آمد و کامل‌کننده‌ی خط

خط فارسی گوهر گران‌بهایی است که از هزاره‌های دور برای ما به یادگار مانده، و بر ماست که در پاسداری و نکوداشت آن بیش از همیشه کوشا باشیم، دستوره‌های آن را مو به مو به انجام رسانیم و از کزروی‌های من‌دراوردی در آن به دورش داریم.

چند تن از کارشناسان فرهنگ و زبان‌های باستانی، بر این باورند که خط فارسی برگرفته از خط عربی است. از این‌رو هفته‌نامه‌ی امرداد بر آن شد در نشستی با عنوان «خط فارسی ایرانی است یا عربی؟» این چالش را بررسی کند. کارشناسانی که به عربی بودن ریشه‌ی خط فارسی باور دارند برای فرودن (اثبات) باورش‌ان، دعوت ما را برای گفت‌وگو نپذیرفتند. دکتر آزاده احسانی و دکتر احمد وکیلی کارشناسانی بودند که در این نشست باشنده شدند و ایرانی بودن خط فارسی را با آوردن شونده‌های تاریخی گواهی دادند. چکیده‌ای از سخنرانی این دو کارشناس را در دنباله بخوانید.

ریشه‌ی خط فارسی، آرامی است

دیدگاه آزاده احسانی که تخصص در زبان «آرامی» دارد بر این است که اگر خط فارسی را عربی بدانیم مانند این است که بگوییم ابوریحان بیرونی، پورسینا و... عرب بوده‌اند. خط امروز فارسی از آرامی، پهلوی، پارتی که همه یک ریشه دارند و این خط فارسی هم

ادامه‌ی همان خط‌ها است.

وی افزود: در سنگ‌نگاره‌ی سه زبانه که در ترکیه به‌دست آمده و از روزگار هخامنشیان است، یک ستون به خط آرامی نوشته شده، حتا سنگ‌نبشه‌ی داریوش یکم هم به خط آرامی نوشته شده است. در پایپوروسی هم که در گستره‌ی هخامنشی رواج داشته و برای مصر است از سده‌ی پنجم، واژگان فارسی فراوان است. برخی پژوهش‌گران خط فارسی را بازمانده از خطی می‌دانند که آن را عربی می‌خوانند و بر این باورند که خط عربی بازمانده‌ی خط نبطی یا کوفی است. حال آن که بودن خطی با نام «خط عربی!» خود جای پرسش دارد، چرا که تا پیش از اسلام نشانی از بودن خط و دیوان و آموزش در میان عرب‌ها به‌ویژه در میان عرب‌های حجاز دیده نشده است، هر چند از عرب‌های شمالی عربستان (حیره و غسان که یکی زیر فرمان‌روایی ایران و دیگری زیر فرمان امپراطوری روم بود) پنج سند که کهنه‌ترین آن‌ها به ۱۵۰۰ سال پیش باز می‌گردد، به‌دست آمده است. از عرب‌های جنوب نیز آثاری یافت شده که پیوند با مردم یمن دارند و آنان نیز همانند مردم حیره زیر فرمان شاهنشاهی ایران بودند.

شد و خوانده شد پیش من. پس از آن من این سنگ‌نبشته را در همه‌ی ایالت فرستادم. مردم همکاری کردند». آشکار است که خطی که روی چرم نوشته می‌شده خط میخی نبوده بلکه خطی بوده است که امروزه آن را «آرامی» می‌خوانند. این خط را می‌توان خط رایج در باختر (غرب) ایران خواند، زیرا پیوستگی نزدیکی و فرهنگی این مردمان به سرزمین مادری بسیار روشن است. خط ایرانی‌ای که بر پایه‌ی سنگ‌نبشته‌ی بیستون روی چرم نوشته شده خطی بود که در درازنای تاریخ ایران، دبیران ایرانی در آن دگرگونی‌هایی پدید آوردند و به یاری آن خط‌های پارتی، پهلوی کتیبه‌ای، پهلوی کتابی، سغدی، مانوی، سریانی، پهلوی مسیحی و اوستایی و بسیار خط‌های دیگر که جز از نام از آن‌ها نمی‌دانیم، را پدیدآوردند و خط پارسی امروز چیزی نیست جز ادامه‌ی همین روند تکامل خط در ایران و این موضوع آشکارا در جدول در پیوند با سیر تکامل خط در ایران دیده می‌شود. دبیران دانشمند و هوشمند ایرانی که بیشتر با یک یا چند الفبای زمان خود مانند پهلوی، سریانی، سغدی، مانوی و اوستایی آشنایی داشته‌اند، می‌توانستند بهتر از هر کس، خط فارسی امروز را پدید آورده و قانون‌مند ساخته باشند.

خط و فرهنگ ریشه‌ی مشترک دارند

احمد وکیلی که دکترای زبان ادبیات فارسی دارد در تایید سخنان آزاده احسانی که خط فارسی ریشه‌ی ایرانی دارد، گفت: زمانی که می‌گوییم خطی ریشه در جایی یا سرزمینی دارد یعنی با خود فرهنگ هم دارد و همین مسیر روند آن خط یا زبان را نشان می‌دهد. خط فارسی، خطی ایرانی است نه عربی، زیرا خط عربی اعراب‌گذاری می‌شود تا درست خوانده شود در حالی که خط فارسی این گونه نیست.

وکیلی افزود: خطی که امروزه می‌نویسیم به‌راستی تندنویسی است. زیرا در گذشته‌ی نوشتاری، نقطه وجود نداشته و اکنون تنها برای آسان نوشتن و تند نوشتن این گونه می‌نویسیم. خط همواره در حال دگرگونی است. برای نمونه در زمان قاجار یا حتا پهلوی اول ما حرف «گ» نداشتیم. گویش‌ها دگرگون و حرف‌ها ساده‌تر می‌شوند. این نماد پیشرفت است اما گاهی خیلی تند ساده می‌کنیم از این‌رو پیدا کردن برخی حرف‌ها برای خودمان هم دشوار می‌شود.

در پایان نشست از سوی باشندگان پرسش‌هایی در زمینه‌ی خط فارسی و تاریخچه‌ی آن و دیگر خط‌های تاریخی پرسیده شد که کارشناسان برنامه به آن‌ها پاسخ دادند.